



صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
رئیس شورای سیاست‌گذاری: ابراهیم رستمیان مقدم
سر دبیر: اکبر هاشمی
معاون سر دبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: میترا فردوسی
مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامصطفی
امور فنی و صفحه‌آرایی: سیدسبحان علی ثابت
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
ویرایش متن: مرضیه عطیمی
تحریریه: نسرين ظهیری، فاطمه علی اصغر
آزاده افتخاری، امین جلالوند
مسعود شاه‌حسینی، نگار مفید
محمدحسین قشقایی، بهاره اسلامی
حامد رسولی، مهدی شادمانی، نازنین متین‌نیا
حمیدرضا عبدالوند، مسعود مشایخی
با تشکر از: بیژن رضانی، ابراهیم باقری،
صلوات فروتن، احمد رضا سبزه‌پوش
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۸۸۵۱۷۰۸۵-۶
نمابر: ۸۸۵۱۷۰۸۷
www.Atiyehnoweekly.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۸۸۵۱۷۰۹۱
ناظر چاپ: علی توتونی



• زیر پوست شهر - ۹۳ •

• نسرین ظهیری •

مسجد سلیمان و توت و روحانی

توت‌ها در چشم‌هایشان دارند می‌رسند. سرش را که می‌گیرد بالا، درخت توت می‌نشیند توی چشم‌هایش. برانداز می‌کند بهار پیچیده در برگ‌ها را. بوی نجیب توت حواس نمی‌گذارد بر ایمان. اما زنی که از جنوب آمده و توی حیاط مجتمع تهرانی نشسته هرم هوا را گرم کرده انگار. از بختیاری‌های مسجد سلیمان. لهجه‌اش نامفهوم برای من. کلامش را حدس می‌زنم. زنی چهارشانه بالابند که جوانی‌اش انگار عاشقان بسیاری را مجنون کرده و چشم‌هایش برای شیدا کردن جوانان یک ایل کافی بوده. مرگان «جای خالی سلوچ» که روزگاری نه چندان دور مارال کلیدر بوده برای خودش. اینجا آمده‌ای چه کار بی‌بی شاه. لب‌های تنقیده‌اش چپ‌هایی می‌گوید. حرف‌هایی پیچیده در آواهای غریب. وازه‌ها غلطان در گرمای بی‌انتهای جایی دور. حدس می‌زنم: «توی سرم تومور کوچکی است. سرم گیج می‌رفت. آمده‌ام خانه پسر کوچکم دور مانم.» مادر سید آمده دیگر. کالامان به هم گره نمی‌خورد اما آوای حزین لهجه‌اش حیاط را عمیق می‌کند. چیزی می‌گوید. حدس می‌زنم که می‌گوید خواهشی دارم خواهر. مشتاق می‌شوم؛ «فردا رأی‌ریز به برآی بریز. به روحانیا. نه به کس دیگه! گوش بگیر چی بهت می‌گم. ناخوش‌هایی دودار مان می‌مانند. برو حتماً رأی بریز صندوق.» نگاهش می‌کنم. بالابند جنوبی. آمیزه‌ای از حال‌های مخلوط، سرکش و نجیب. زیبا و سخت. سالخورده و تازه. حالا حرف هم را بهتر می‌دانیم. چشم‌هایمان کلام هم را می‌فهمند. از سختی روزگارش می‌گوید. وقتی هفت ماه مانده که یازده ساله شود شوهرش داداند. و اینکه خودش دخترهایش را در دوازده سالگی فرستاده خانه شوهر. «قوم خویش دورم با اصرار دخترها را کم‌سن و سال بردند. دخترهایم قشنگ بودند اما قشنگی‌شان نرسیده بود.» زن گرمای مسجد سلیمان را با خودش آورده می‌گوید. داغ یادیده. می‌گوید پسر آخرش مهندس پتروشیمی است. می‌گوید می‌گوید هزار راز نگفته. را. بالاخره حرف‌های زن همراه آفتاب ته می‌کشد. غروب می‌نشیند روی توت‌ها. راه می‌افتد و داغی احوال را می‌برد با خودش. توتی را برمی‌گردد و دوباره می‌شود مرگان جای خالی سلوچ: «یادت‌ره دده جان برای روحانی بریز.» یاد می‌ماند بوی توت برمی‌خیزد. توت‌ها خوب خوب رسیداند.



جشنواره فیلم و عکس انتخابات ۹۶

جشنواره فیلم و عکس انتخابات ۹۶ از سوی معاونت امور استان‌های رسانه ملی و با همکاری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در سراسر کشور برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان می‌توانند آثارشان را به پایگاه اینترنتی «نگاه» ارسال کنند. به گزارش ایسنا، در این مسابقه آثار صرفاً تولیدی (تهیه‌شده توسط موبایل یا دوربین) در قالب ویدئو و عکس پذیرفته می‌شود. آثاری که در قالب آلبوم تصویری (مجموعه عکس) تهیه و ارسال می‌شوند باید با فرمت jpg باشند و همگی با هم و بدون فولدر، تحت یک فایل zip شوند و به سایت www.negahmedia.ir ارسال شوند. آثاری که دارای توصیف تشریحی (متن) هستند در اولویت انتخاب قرار خواهند داشت.

جایی برای حرف‌های خودمانی



یکشنبه • ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ • شماره صد و سه



• ساختمان نیمه کاره - ۸۷ •

• مسعود شابانی •

پایان بحث و جدل‌های انتخاباتی در ساختمان ما

انتخابات و روزهای پرتلهاب آن بالاخره به پایان رسید و از جنب‌وجوش‌های مردم و کاندیدای مورد نظر آنها کاسته شد. ساختمان ما هم که این روزها کاملاً رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته بود به حالت عادی بازگشت و دیگر خبری از قیل‌و‌قال دوستان بر سر کاندیدایشان نیست. امیدوارم هر کاندیدایی که سر کار می‌آید و زمام امور شهر و مملکت را به دست می‌گیرد، بتواند مقداری از رنج و اندوه مردم بکاهد و آنها را به آرامشی نسبی برساند. برخی دوستان که کاندیدای مورد نظرشان رأی‌نیابوده‌معموم و بکر بودند و حتی یکی از آنها به خاطر اینکه بسیار فعال بود و با بقیه رقابت شدیدی داشت هنوز سر کار نیامده و به قولی گذاشته‌آب‌ها از آسیاب بیفتد.

عده‌ای هم که پیروز شده‌اند شادتر از بقیه هستند و امیدوار به آینده. احمد یکی از دوستانم در ساختمان است که با یکی از کاندیداهای شورای شهر قرابت و نزدیکی خویشاوندی داشت و از او به‌شدت حمایت می‌کرد، حتی چند باری به خاطر او با بقیه دوستان بحث و مجادله کرد. اما با اینکه فرد مورد نظر احمد پیروزی چشمگیری داشت از احمد خبری نبود و در یکی از قسمت‌های ساختمان ساکت و آرام مشغول کار بود. این رفتار احمد اصلاً عادی نبود و مطمئن بودم برایش اتفاقی افتاده. سراغش رفتم و بابت پیروزی فرد مورد نظرش در شورای شهر به او تبریک گفتم که با بی‌تفاوتی جوابم را داد. گفتم چه شده که هیچ عکس‌العملی به این موضوع ندارد که گفت: «دیگر برایم چندان اهمیتی ندارد.» بعد با استرس و نگرانی ادامه داد: «سال‌هاست رأی می‌دهم و حمایت می‌کنم اما اتفاق خاصی برای بهتر شدن زندگی‌ام نیفتاده. سال‌هاست کارگرم و مشغول کار در ساختمان‌های مختلف، به‌سختی درس خوانده‌ام اما هیچ استفاده‌ای از مدرکم نتوانستم بکنم و کماکان هنوز کارگرم و نمی‌توانم وضع خودم را بهبود دهم. بارها خواستم کار جدیدی را شروع کنم، اما همیشه با کمبود منابع مالی مواجه شدم و به همین کار گریز پیدا کردم.» نفهمیدم احمد که سرشار از امید به زندگی بود و همه را راهنمایی می‌کرد چرا اقتدر می‌بوس و ناامید شده. اما مدتی که گذشت بی‌مقدمه برایم تعریف کرد و متوجه علت ناراضی‌اش شدم. مثل اینکه احمد آقای ما که سن و سالی هم‌آزش گذشته به اصرار و فشار خانواده به خواستگاری دختری می‌رود و قرار می‌شود بعد از تحقیقات خانواده دخترخانم جواب آنها را بدهد که مدتی بعد جواب او منفی بود. دلیل ناراحتی احمد ولی این نبود، به قول خودش علت جواب منفی او را زرده بود.

احمد می‌گفت: «از گوشه و کنار متوجه شده که علت جواب منفی آنها نداشتن کار در دست‌وحسابی نداشتن ماشین و خانه و به قول خانوادهاش لباس‌های کارش بوده.» می‌گفت: «این روزها هیچ‌کس به اخلاق و مرام آدم‌ها توجه نمی‌کند. هیچ‌کس نگاه نمی‌کند که سر آدم چه می‌گذرد. سالم بودن، تحصیل کرده بودن، زحمتکش بودن دیگر ملاک نیستند و تمام مناسبات آدم‌ها فقط جنبه‌های مادی شده و مدل ماشین و حساب بانکی. به چیزهای دیگر توجهی ندارند.» مطمئناً این حرف‌های احمد از روی احساس بد این روزهای اوست و این بدبینی از آنجائش می‌شود. تا حدودی جامعه به این سو کشیده شده، با این حال هستند کسانی که هنوز خوبی‌های آدم‌ها را می‌بینند. احمد ناراحتی‌اش بیش از این بود که با دلاری‌های من آرام شود. امیدوارم آدم‌ها یکدیگر را از روی ظاهرشان قضاوت نکنند.



ملتی که گل کاشت

به مناسبت ۲۹ اردیبهشت - دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری



من اگر جای روحانی بودم

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی



حضوری گسترده و چشمگیر داشتند. اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، صبح روز شنبه در توییته نوشت: «ملت شریف، زنان، مردان، جوانان عزیز، #گل_کاشتید. #اعتماد_۲۴. میلیونی‌تان را پاس می‌داریم.» حسن روحانی هم با انتشار عکسی از تعدادی از رأی‌دهندگان پیر و جوان خطاب به مخاطبانش در توییتر نوشت: «ملت بزرگ ایران، پیروز انتخابات شمایید؛ خاضعانه در برابر شما سر تعظیم فرود می‌آورم. به عهده باشما وفادار خواهم ماند.» شهین دخت مولاوردی، معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهوری، هم در فیس‌بوک خود با انتشار این بیت به نتیجه انتخابات واکنش نشان داد: «بگذار تا از این شب دشوار بگذریم – آنکه چه مژده‌ها که به‌بام سحر بریم. خجسته باد این پیروزی.»

یکی از کاربران توییتر هم این جمله روزنامه فرانسوی لوموند را در توییترش نوشت: «ملت ایران در فرزاندم خود به سه برابر شدن سهمشان از یارانه نه گفتند. این کشور هلند، سوئیس یا نروژ نبود، کشوری در میان منطقه جنگ‌زده خاورمیانه بود.» فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، هم روز گذشته و پس از اعلام نتایج به حسن روحانی تبریک گفت و در توییته نوشت: «برایان به شکل پرشوری در حیات سیاسی کشورشان شرکت کردند. به رئیس‌جمهور حسن روحانی برای دریافت رأی و پشتوانه مردمی بزرگ تبریک می‌گویم.» فرید از کاربران اصولگرایی منتقد روحانی بعد از اعلام نتایج نوشت: «مثل



• هشتک •

• صدرا محقق •

انتخابات ریاست جمهوری ایران روز جمعه برگزار شد و روز شنبه با اعلام نتیجه نهایی به آخر رسید. در این انتخابات که از حدود دو سه ماه پیش شور و حال آن شبکه‌های اجتماعی را فرا گرفته بود در نهایت و براساس اعلام وزیر کشور از ۹۹/۷ درصد شعبه‌ها، کل آرا ۴۱ میلیون و ۲۲۰ هزار و ۱۳۱ نفر بود که حسن روحانی با ۲۳ میلیون و ۵۴۹ هزار و ۶۱۶ یعنی ۵۷ درصد آرا رئیس‌جمهور دوره دوازدهم کشور شد. فضای غالب و شورانگیزی که در این مدت در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت و پیش از این رقابتی و تبلیغاتی بود همچنان و با بحث‌های پساانتخاباتی ادامه دارد، اما روز شنبه این هفته و با معلوم شدن نتایج نهایی به شکلی دیگر خود را نمایان کرد. بسیاری از کاربران از حس و حال خودشان بعد از اعلام نتیجه نهایی نوشتند، برخی همچنان مشغول مزه‌پرائی و نوشتن نکات بازه از ماجرا بودند و گروهی دیگر مشغول تحلیل رزواپی مختلف ماجرا از ابعاد سیاسی اجتماعی اقتصادی و... آنچه در ادامه آمده است بخشی از نوشته‌های این کاربران است. احسان شهروند ایرانی ساکن آلمان در توییته با اشاره به نتایج انتخابات‌های اخیر در آمریکا و اروپا و... نوشت: «چه دیزلجسی دادیم به رفقای آمریکایی و اروپایی بابت انتخاب بهتر و ضد عوام‌گرایی ایرانی‌ها! بیش‌بادا»

کاربری به نام مجیک هم با اشاره به شعری که هاشمی طبا در مناظره آخر خواند چنین مطلبی نوشت: «طرفدارای روحانی و رئیس‌فراموش نکنید که در نهایت ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم، ما سرزمین خود را، مانند جان می‌دانیم.» چند کاربر هم به خنده‌های معروف حسن روحانی در ایام تبلیغات و فیلم‌های تبلیغاتی او اشاره کردند. کاربری به نام مصی در همین باره نوشت: «به نظر باید به مقاله تحلیلی درباره مدل و اثرگذاری خنده‌های روحانی نوشت. خنده‌هاش توی هر سکانس انتخابات جواب می‌داد.» کاربری دیگر به نام «پی» هم با اشاره به همین نکته توییت کرد: «من جای آقای روحانی بودم ۱۰ دقیقه اول نطق پیروزی‌ام اح‌اح‌اح می‌خندیدم.» رضا زندی، خبرنگار حوزه تخصصی نفت و گاز، هم از منظر تخصص خود به رأی روحانی اشاره کرد و نوشت: «۲۳ میلیون و ۵۴۹ هزار و ۶۱۶ رأی که روحانی کسب کرد، ایران با قدرت بیشتری در مناسبات نفتی ظاهر می‌شود. امضای قرارداد‌های جدید نفتی نزدیک است.» بهمن هدایتی، روزنامه‌نگار حوزه سیاسی، هم تحلیل خود درباره نتیجه انتخابات را به این شکل نوشت: «تجمع انتخابات شوراها و ریاست‌جمهوری، اید پیروزی با رأی حداقلی و مشارکت پایین را منسوخ کرد.» مسئولان و دولتمردان هم در فضای مجازی